

صد سال مثنوی فارس

اجریان‌شناسی مثنوی در فارس

از احلام مشروطه تا سال (۱۳۹۱)

دکتر سید مهدی خیراندیش (دانشیار دانشگاه پیام نور)

معصومه مرادی (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی)

سرشناسه: مرادی، معصومه، ۱۳۶۲.
 عنوان و پدیدآور: صد سال مثنوی فارس (جریان‌شناسی مثنوی در فارس، از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۹۱)،
 معصومه مرادی، سید مهدی خیراندیش.
 مشخصات نشر: رخشید / شیراز
 مشخصات ظاهری: ۴۸۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۳-۶۳-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
 موضوع:
 موضوع:
 رده‌بندی کنگره:
 رده‌بندی دیویی:
 شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:



- صد سال مثنوی فارس (جریان‌شناسی مثنوی در فارس، از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۹۱)
- سید مهدی خیراندیش، معصومه مرادی

○ ویرایش و صفحه‌آرایی: علی جعفری ○ طرح جلد: وحید عباسی
 ○ چاپ اول، ۱۳۹۵ ○ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ○ قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

○ نشر: رخشید

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۳-۶۳-۲

فهرست

۱۱	درآمد
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول، مثنوی و جایگاه آن در ادبیات فارسی
۲۳	۱- مثنوی و جایگاه آن در ادبیات فارسی
۲۳	۱-۱- تعریف مثنوی
۲۴	۲-۱- جایگاه قالب مثنوی در شعر فارسی
۲۶	۳-۱- مضامین و موضوعات مثنوی
۲۷	۴-۱- مثنوی‌های مهم ادب فارسی
۲۷	۵-۱- شعر و ادبیات در فارس
۲۸	۶-۱- مثنوی سرایان فارس از آغاز تا مشروطه

۳۱	فصل دوم، جریان‌شناسی مثنوی در فارس از ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰
۳۳	۲- دوره‌ی مشروطه تا پایان دوره‌ی پهلوی اول
۳۳	پیدایی مشروطه
۳۶	ادبیات مشروطه
۴۵	۱- زبان
۵۱	۱-۱- گونه‌های زبانی
۵۴	۱-۱-۱- رفتارهای واژگانی
۵۷	۱-۱-۲- باستان‌گرایی
۵۹	۱-۴- ضمیمه‌های
۶۱	۵-۱- بارها-ربانه
۶۲	۲- محتوا
۶۴	۱-۲- مضامین عرفانی
۶۸	۲-۲- مضامین آیینی
۷۹	۲-۳- مضامین پایداری
۸۳	۲-۴- مدیحه‌سرایی
۸۵	۲-۵- مضامین عاشقانه
۸۹	۲-۵-۱- واسوخت
۸۹	۲-۶- سایر مضامین
۹۵	۳- صور خیال
۹۷	۳-۱- تشبیه و استعاره
۹۸	۳-۲- تشخیص
۹۹	۳-۳- اغراق
۱۰۰	۴- ساختار
۱۰۰	۴-۱- ساختار بیرونی
۱۱۲	۴-۲- ساختار درونی
۱۱۷	۴-۳- جریان منظومه‌سرایی
۱۲۳	۴-۳-۲- منظومه‌های متأثر از تاریخ و ادبیات غرب
۱۳۱	۵- معرفی اجمالی شیوه‌های سرایش

۱۳۳	۶- نام‌آوران
۱۳۳	۱-۶- صورتگر
۱۳۴	۲-۶- فرصت شیرازی
۱۳۶	۳-۶- نعمت فسایی

فصل سوم، جریان‌شناسی مثنوی در فارس از آغاز سلطنت پهلوی دوم تا انقلاب اسلامی

۱۳۹	۱۳۲۱ تا ۱۳۵۷
۱۴۱	۳- جریان‌شناسی مثنوی در فارس از پهلوی دوم تا انقلاب اسلامی ۱۳۲۱ تا ۱۳۵۷
۱۴۱	الف، دهه‌های ۴۰ و ۵۰
۱۴۳	ب) انقلاب و شعر
۱۴۸	۱- زبان
۱۴۸	۱-۱- گونه‌ی رباعی
۱۵۰	۲-۱- رفتارهای واژگانی
۱۵۳	۳-۱- باستان‌گرایی
۱۵۴	۴-۱- ضعف تألیف
۱۵۵	۵-۱- بازی‌های زبانی
۱۵۶	۲-۲- محتوا
۱۵۷	۱-۲- مضامین عرفانی
۱۶۲	۲-۲- مضامین آیینی
۱۷۳	۳-۲- مضامین اجتماعی
۱۷۹	۴-۲- مضامین مقاومت
۱۸۴	۶-۲- مثنوی‌های عاشقانه
۱۸۵	۶-۲- سایر مضامین
۱۹۰	۲-۶-۲ به‌کارگیری مضامین کلاسیک
۲۰۰	۳- صورت خیال
۲۰۰	۱-۳- تشبیه و استعاره
۲۰۱	۲-۳- ترکیب‌سازی
۲۰۲	۳-۳- نماد

- ۲۰۲ ۴-۳. پارادوکس
- ۲۰۳ ۵-۳. توصیف
- ۲۰۴ ۶-۳. تصویرسازی
- ۲۰۶ ۷-۳. مضمون پردازی
- ۲۰۷ ۸-۳. تمثیل
- ۲۰۸ ۴. ساختار
- ۲۰۸ ۱-۴. ساختار بیرونی
- ۲۱۸ ۲-۴. ساختار درونی
- ۲۲۰ ۲-۴. جریان منظومه سرایی
- ۲۲۶ ۵- معرفی ۱- مالی ۲- راه های سرایش
- ۲۲۹ ۶- نام آوران
- ۲۲۹ مهدی حمیدی
- ۲۳۰ فخرالدین مزارعی
- ۲۳۵ فصل چهارم، جریان شناسی مثنوی فارس از یروزی انقلاب تا پایان سال ۱۳۹۰
- ۲۳۷ ۴- جریان شناسی مثنوی فارس از پیروزی انقلاب تا پایان سال ۱۳۹۰
- ۲۳۷ انقلاب اسلامی و شعر
- ۲۴۲ ۱- زبان
- ۲۴۲ ۱-۱. گونه های زبانی
- ۲۵۰ ۲-۱. رفتارهای واژگانی
- ۲۵۹ ۳-۱. باستان گرایی
- ۲۶۶ ۵-۱. تغییر زبان
- ۲۶۷ ۶-۱. ضعف تألیف
- ۲۷۱ ۷-۱. شگردهای زبانی
- ۲۷۵ ۲- محتوا
- ۲۷۵ ۱-۲. مثنوی عرفانی
- ۲۸۰ ۲-۲. مضامین آیینی
- ۲۹۹ ۳-۲. سوگواره ها و مفاهیم عاشورایی
- ۳۰۹ ۴-۲. رویکرد اجتماعی در شعر آیینی

۳۱۳	۵-۲. مثنوی‌های آیینی با رویکرد عاشقانه
۳۱۴	۶-۲. بهره‌گیری از مفاهیم قرآن و حدیث
۳۲۱	۷-۲. دیگر مضامین آیینی
۳۲۲	۸-۲. مثنوی‌های اجتماعی
۳۳۱	۹-۲. مثنوی عاشقانه
۳۴۲	۱۰-۲. مثنوی مقاومت
۳۵۰	۱۱-۲. مثنوی دفاع مقدس
۳۶۸	۱۲-۲. طنز
۳۷۰	۱۳-۲. مفاهیم سنتی
۳۷۵	۱۴-۲. مفاهیم بومی
۳۷۷	۱۵-۲. و ن‌سنجی
۳۸۰	۱۶-۲. دیگر مفاهیم
۳۸۷	۱۷-۲. ریزمضمون‌ها
۳۹۱	۳. صورخیال
۳۹۱	الف) خیال‌های جدولی
۳۹۵	ب) موج زبانی
۳۹۶	پ) پارادوکس
۳۹۸	ت) حس‌آمیزی
۳۹۹	ث) تصویرسازی
۴۰۰	ج) ارسال المثل
۴۰۱	چ) آشنایی‌زدایی
۴۰۱	ح) مضمون‌پردازی‌ها و خیال‌های هندی
۴۰۲	خ) مضمون‌های بیدلی
۴۰۳	د) اسطوره‌سازی و تلمیح
۴۰۶	۴- ساختار
۴۰۶	۱-۴. ساختار بیرونی
۴۳۰	۲-۴. ساختار درونی
۴۴۰	۳-۴. جریان منظومه‌سرایی

- ۴۴۸ ۵. معرفی اجمالی شیوه‌های سرایش
- ۴۵۴ ۶. نام آوران
- ۴۵۴ غلامحسین اولاد
- ۴۵۶ محمدخلیل جمالی
- ۴۵۷ احد ده‌بزرگی
- ۴۵۹ خلیل ذکاوت
- ۴۶۰ غلامرضا کافی
- ۴۶۱ غمدرادی
- ۴۶۳ سرالله مردانی
- ۴۶۵ پروانه نجفی
- ۴۶۷ سیمین دلی
- ۴۶۹ سخن پایانی
- ۴۷۵ منابع

مقدمه

در دهه‌های پایانی سده بیستم، سلسله‌عواملی اثرگذار، باعث به‌گوش رسیدن زمزمه‌های مشروطه شد و به دنبال آن اطلاع‌رسانی جراید و روزنامه‌ها، ذهن‌های خواب‌زده‌ی مردم ایران تا حدودی از خواب غفلت بیدار شد و دنیایی را پیش روی خود یافت که با آن چه تا آن زمان می‌دید، تفاوت‌هایی شگرف داشت.

کمتر زمانی را در تاریخ ایران می‌توانست که چنین سده‌ی اخیر رخدادهایی بزرگ، همانند خیزش مشروطه، جنگ جهانی اول و دوم، به‌شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و مبارزات مردمی و چریکی پس از آن، انقلاب ۵۷ و بعد از آن جنگ هشت‌ساله در آن روی داده باشد. رخدادهایی که هرکدام به تنهایی برای تحول در سبک و سیاق زندگی، اندیشه و هنر مردم، از قدرت عمل بالایی برخوردار بودند.

در میان قالب‌های شعری در ادبیات فارسی، قالب مثنوی بیش از همه در بازتاب این تحولات سهم بوده است. این قالب ادبی از همان سال‌های آغازین تولد شعر، سهم عمده‌ای در گسترش اندیشه و احساس شاعران داشته است. رودکی کلیله و دمنه را در این قالب شعری منظوم ساخت و پس از آن نیز مثنوی در انواع ادبی متفاوت غنایی، عرفانی و حماسی، بار سنگین بخشی از فرهنگ معنوی و عاطفی این کشور را به عهده داشته است. این قالب شعری به دلیل آزادی‌ای که در قافیه‌پردازی دارد، دست شاعر را تا جایی باز می‌گذارد که می‌تواند منجر

به خلق منظومه‌های چند هزاربیتی گردد بی آن که خوانندگان دچار ملال شوند. منظومه‌های مهم ادب فارسی چون شاهنامه، خمسه‌ی نظامی، منطق الطیر عطار، مثنوی مولانا، بوستان سعدی، هفت‌اورنگ جامی و... تنها نمونه‌هایی بی‌نظیر از هنرمندی شاعران توانمند ایرانی در این قالب شعری است.

هرچند در پایان دوره‌ی مشروطه و آغاز سلطنت پهلوی، به دلیل نگرش‌های سیاسی و ادبی آن زمان، مثنوی طرحی کمرنگ دارد و از آن پس شاعران بیشتر به قالب‌های نو ایجاد شده، چون چارپره و شعر نیمایی توجه کرده‌اند، اما شاعرانی مانند ملک‌الشعرای بهار، ادیب‌الممالک، ادیب پیشاوری، ایرج میرزا و دهخدا هم هستند که هنوز دل بسته به این قالب کهن، مثنوی می‌سرایند. این حال با شروع سال‌های مبارزه برای تعدیل قدرت، به‌ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۱، ربا وجود اوج‌گیری تمایلات شاعران به قالب آزاد و موفقیت این‌گونه‌ی جدید شعری ندارند. دود، اما باز هم مثنوی نمونه‌های موفق از خود به یادگار گذاشته است. می‌توان به نمونه‌هایی چون «بت‌شکن بابل» و «موسی» از مهدی حمیدی شیرازی و مثنوی‌هایی از فروغ فرخ‌زاد، سهروردی، برین و هوشنگ ابتهاج اشاره کرد. هرچند در این میان شاعران ناشناسی هم هستند که به‌طور جدی مثنوی سروده‌اند اما گمنام مانده‌اند. این قالب تقریباً فراموش شده، بعد از انقلاب، به دلیل ظرفیت بالایی که برای سرایش شعر حماسی داشته، دوباره جان گرفت و با مضامین و رنگ و بویی تازه تجدید حیات کرد و از طرف شاعرانی از جمله علی معلم، احمد عزیزی، حسن حسینی، به‌سفعلی میرشکاک، مشفق کاشانی، حمید سبزواری، علی موسوی‌گرمارودی، علیرضا فزوه، محمدکاظم کاظمی و پرویز بیگی حبیب‌آبادی مورد استقبال قرار گرفت. در میان نسل‌های بعد از جنگ نیز شاعرانی هستند که با دریافتی صحیح از قدرت عمل این قالب ادبی به سرودن شعر پرداختند؛ البته با مضامینی متفاوت، به‌ویژه آیینی و مقاومت - در تمام جنبه‌های آن - که قادر طهماسبی و سعید بیابانکی از این نمونه هستند.

کتاب پیش رو به نقش مثنوی و رویکرد مثنوی‌سرایی از مشروطه تا پایان سال ۱۳۹۰ در فارس پرداخته است. گفتنی است که به دلیل ایجاد جریان‌های گوناگون فکری - هنری و نشان دادن تغییرات ایجادشده، مثنوی‌های موجود در این برش زمانی، در چهار حوزه‌ی زبان،

محتوا، خیال و وزن و ساختار بررسی شده است. این بررسی در سه دوره‌ی زمانی صورت می‌گیرد:

۱- از مشروطه در سال ۱۲۸۵ تا پایان پهلوی اول در سال ۱۳۲۰؛
در این دوره بیش از ۱۰ شاعر در فارس به‌طور ویژه به سرایش مثنوی پرداخته‌اند که لطفعلی صورتگر، فرصت‌الدوله‌ی شیرازی و محمود نعمت فسایی از چهره‌های شناخته‌شده‌ی کشور هستند.

۲- از سال ۱۳۲۱ تا پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷؛
این دوره از نظر تعداد شاعران مثنوی‌سرا نسبت به دوره‌ی پیش تفاوت دارد. کسانی چون فاخری فسایی، افتخار مبرانی و حجار شیرازی به‌طور ویژه مثنوی‌سرا هستند، اما شناخته‌شده نیستند و کسانی چون مهیار حمیدی شیرازی و سید فخرالدین مزارعی از چهره‌هایی هستند که در کشور با مثنوی‌هایی زیبا شناخته شده‌اند. هرچند قالب اصلی مورد توجه آن‌ها غزل بوده و به‌طور جدی مثنوی را دنبال نکرده‌اند.

۳- از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ تا پایان سال ۱۳۹۰؛
این دوره را باید حضور پرشور مثنوی‌سرایان فراوانی شعر و شاعر و موضوع دانست. در این دوره بالغ بر پنجاه شاعر را در فارس می‌توان نام برد که در مجموعه‌های خود مثنوی دارند؛ اما حدود ۱۵ نفر از آنان به‌طور چشمگیر مثنوی سروده‌اند. در این میان می‌توان به شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای از جمله: نصرالله مردانی، احمد ده‌بزرگی، محمدخلیل جمالی «مذنب»، سیمین دخت وحیدی، غلامحسین اولاد، غلامرضا کانی، پروانه نجاتی، خلیل ذکاوت و محمد مرادی اشاره کرد.

یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که در این مجموعه شاعرانی بررسی شده‌اند که به نحوی در استان فارس فعالیت ادبی داشته‌اند و در این راستا به چهار گروه عمده تقسیم شده‌اند:

۱- شاعرانی که در استان فارس به دنیا آمده‌اند و مقیم هستند چون: نعمت فسایی، غفار اسد، تیر شیرازی، فاخری فسایی، فریدون توللی، نصرالله مردانی، احمد ده‌بزرگی، محمد مرادی، محمدرضا خالصی و...

۲- شاعرانی که در استان فارس به دنیا آمده‌اند و حداقل بخش خاصی از فعالیت ادبی خود را در سایر استان‌های کشور و یا سایر نقاط جهان انجام داده‌اند چون: فرصت‌الدوله شیرازی، لطفعلی صورتگر، مهدی حمیدی، فخرالدین مزارعی و سیمین دخت وحیدی.

۳- شاعرانی که در سایر نقاط ایران به جز استان فارس به دنیا آمده‌اند اما به هر دلیلی در این استان مقیم هستند چون: غلامرضا کافی، نصرالله وطن‌خواه و پروانه نجاتی.

۴- شاعرانی که نه در فارس به دنیا آمده‌اند نه به طور دایم مقیم بوده‌اند، بلکه بازه‌ای از زمان فعالیت ادبی خود، در فارس اقامت داشته‌اند. چون: مسعود فرزاد.

پیش از آماز، یادآوری چند نکته ضروری است:

۱- افراد برزیا به عنوان شاعران نقش‌آفرین در جریان مثنوی‌سرایی فارس باید دست‌کم ۱۵۰ بیت مثنوی در باب‌های چاپ‌شده، داشته باشند.

۲- نمونه‌های آمده در متن از تمام مثنوی‌های موجود است و داشتن حداقل ۱۵۰ بیت از شاعر مدنظر نبوده و از هر قطعه، مثنوی بدون در نظر گرفتن تعداد بیت‌هایش، هر جا که به اقتضای حال، لازم بوده استفاده شده است.

۳- در آمارگیری‌ها تنها شعرهای چاپ‌شده در دبیران شاعران، مدنظر بوده و شعرهای موجود در تذکره‌ها و جنگ‌ها لحاظ نشده است.

۴- برای گزینش شاعران نام‌آور در هر دوره، داشتن حداقل ۳۰۰ بیت مثنوی در کتاب‌های شاعر مورد نظر بوده است. بدیهی است این شعرها باید از آرا و وزن، زبان، موسیقی و ارکان شعر درست و بهنجار باشد و نسبت به شعرهای سروده‌شده در دوره‌های اخیر متمایز باشد. به همین سبب از کسانی چون: عبدالغفار شیرازی، افتخار شیرازی، حجاز شیرازی، صدرالدین اکبرزاده، علی کوهی سعدی، صادق‌علی حق‌پرست و... به دلیل ضعف شعر، و شاعرانی چون: روحانی وصال، سرایی جهرمی، قاسم صرافان، محمدرضا خالصی و... به دلیل حجم کم اشعار در بخش نام‌آوران یاد نشده است.

در این مجموعه سعی بر آن است که کارنامه‌ی مثنوی در استان فارس در سده‌ی اخیر بررسی و ویژگی‌های سبکی و ساختاری آن معرفی شود. در این راستا به اثرپذیری شاعران مثنوی‌سرایی فارس در جریان ادبی کشور پس از مشروطه، پرکارترین مثنوی‌سرایان و جایگاه

آن‌ها در جریان‌های شعری معاصر و همچنین تبیین میزان تأثیرگذاری عوامل جانی (شرایط بومی، جشنواره‌ها و...) در به‌وجود آمدن درون‌مایه‌های جدید پرداخته می‌شود.

به جرئت می‌توان گفت که فارس از سده‌ی هفتم تا کنون یکی از بزرگترین مراکز ادبیات‌آفرین در ایران بوده است. این گستره‌ی جغرافیایی با تقدیم بزرگانی از علم و ادب به فرهنگ ایرانی، گام مؤثری در تعالی ادب فارسی برداشته و همواره در زمان‌های متفاوت بر غنای این هنر افزوده است. شخصیت‌هایی چون سعدی، حافظ، اهلی، شاه‌داعی، باباغانی، عرفی، لسانم، مکتبی، وصال، قآنی، وقار، یزدانی، شوریده و... در فرهنگ ایرانی هرگز نامشان فراموش نخواهد شد.

این مهد هم به شعر آفرین، چون دیگر نقاط ایران، از سال‌های مشروطه به بعد دستخوش تحولات مختلفی است. به این تحولات در همه‌ی زمینه‌ها حتی در شعر شاعرانش ظهور یافته است. شاعران بزرگ چون «زر»، شوریده، فرصت و بعدها مهدی حمیدی، فریدون توللی، حسن فصیحی، در برخی آثار پس از انقلاب شخصیت‌هایی چون نصرالله مردانی، محمدخلیل جمالی «مذنب»، احمد بزرگی سیمین دخت وحیدی و دیگران در بازپروری این قالب فراموش شده، نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند.

به دلیل وجود فراوانی شعر در قالب مثنوی، هر چند ناشناخته‌ماندن بسیاری از شاعران، بررسی این قالب شعری در فارس ضروری است. در این راستا تحقیقاتی انجام شده است که به‌طور مستقل به بررسی جریان‌شناسی مثنوی مربوط می‌شود. هر چند که در برخی از پژوهش‌ها به‌طور پراکنده به این موضوع هم اشاره شده است از جمله: «دالیه اب نوری وصال» در مقاله‌ای با عنوان «مثنوی در دوران معاصر» در مجله‌ی خرد و کوشش، «دانشگاه شیراز» به این نکته می‌پردازد که هر چند ظهور قالب آزاد باعث کم‌رونی شدن سایر قالب‌های شعری شده، اما باز هم استادانی از شعر سنتی گو و حتی گاهی نوپرداز به این قالب شعری پرداخته‌اند و آثار درخوری ارائه داده‌اند و در خطه‌ی فارس به مثنوی «گنج زر» از نعمت قسایی در رابطه با ماجراهای آنتونی و کلوپاترا اشاره می‌کند. وی در این مقاله به انواع مثنوی موجود در این دوره از نظر محتوایی می‌پردازد و در این حد بسنده می‌کند.

علی حسین پورچافی در کتاب «جریان‌های شعری معاصر فارسی» در فصل جریان‌های شعری سنت‌گرای معاصر (از صفحه‌ی ۵۵ تا ۸۱)، به شاعرانی می‌پردازد که در کنار طرفداران قالب‌های نوظهور، سنتی‌گرا هستند و در میان قالب‌های سنتی مورد توجه آن‌ها مثل غزل، مثنوی نیز جایگاه خاصی دارد و به مهدی حمیدی شیرازی به عنوان یکی از شخصیت‌های مهم این جریان در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ اشاره می‌کند.

در کتاب «شبی هم در آغوش دریا» از محمد خلیلی که گردآوری مقالاتی درباره‌ی شعر مهدی حمیدی است، در دو بخش، تفسیری مختصر از سه منظومه‌ی مهم او «بت‌شکن بابل»، «موسا» و «ناله‌ای به دخترم» وجود دارد. همچنین ساعد باقری و سهیل محمودی در کتاب «نیلوفر آه» که گزیده‌ای از اشعار فخرالدین مزارعی را در بردارد، بحثی کوتاه بر مثنوی «بازگشت عقاب» وی می‌کنند. حسین منزوی در کتاب «دیدار در متن یک شعر» بر منظومه‌ی «موسا» از مهدی حمیدی بحث کوتاهی نوشته است.

غلامرضا کافی در کتاب «دست بر آتش» به بررسی شعر جنگ پرداخته است. او در این کتاب به تفصیل در مورد شعر انقلاب و عناصر، راوری‌های آن سخن می‌گوید، همچنین از صفحه‌ی ۹۰ تا ۱۰۴ قالب مثنوی را بررسی می‌کند و تا سازهای و تکنیک‌های مثنوی‌پردازان پس از انقلاب را همراه با چهره‌های جریان‌ساز کشور در این قالب معرفی می‌کند. وی در مقدمه‌ی کتاب «عطر بهار نارنجک» که گزیده‌ای از شعر دفاع مقدس فارس است، به سهم فارس در شعر دفاع مقدس اشاره کرده و به قالب‌های موجود در این منظومه و به طور بسیار محدود به قالب مثنوی، توجه کرده است. البته کافی در پیش‌گفتار کتاب «عطر بهار نارنجک» که مشابه این کتاب است، کمی بیشتر از کتاب «عطر بهار نارنجک» (در ۱۸ صفحه) مثنوی دفاع مقدس فارس را تحلیل کرده است.

کافی در کتاب دیگری به نام «شرح منظومه‌ی ظهر»، به شرح شعر عاشورا پرداخته است. وی در قسمت‌هایی از کتاب که به زمان پس از مشروطه برمی‌گردد، اشاره‌هایی به شاعران عاشورایی کرده که مثنوی در شعرشان جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعرانی چون غفار اسد و محمدخلیل جمالی و علی کوهی سعدی.

در کتاب «شور غزل» از نادر فخرآور و کتاب «جریان‌شناسی غزل فارس در سال‌های پس از جنگ» از محمد مرادی که هرکدام به نوعی به بررسی تحول غزل پس از انقلاب در فارس پرداخته‌اند، درباره‌ی مثنوی‌های تلفیقی با غزل صحبت شده است.

محمد مرادی در کتاب دیگری به نام «ترانه‌های مسلسل» به گوشه‌ای از اقدامات نوجویانه‌ی شاعران جوان فارس در قالب مثنوی با مضمون جنگ اشاره کرده است.

در مقدمه‌ی بسیاری از دیوان‌ها و در برخی از تذکره‌ها نیز به صورت بسیار محدود، اشاره‌ها، به مثنوی‌های مهم موجود در دیوان شده است. به عنوان مثال در دیوان محمود نعمت فسائی، در یک صفحه، گذری اجمالی بر مثنوی «گنج زر» صورت گرفته است. توللی نیز به این نوع ادب در کتاب «شعله‌ی کبود» پرداخته است.

تلاش مؤلفان بر آن بوده است که تمام مثنوی‌های موجود در کتاب‌های مختلف، چه در کتابخانه‌های عمومی و چه شخصی، مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان به شناختی درست و جامع‌الاطراف در حوزه‌ی مثنوی‌سازی فارس دست یافت.

خیراندیش - مرادی